

# نفوذ صنایع مستظرفه ایرانی

در ترکستان قدیم

بقلم آقای دیبا (شعاع الدوله)

وزیر مختار سابق ایران در لاهه

در شماره اول مجله «آینده» شرحی دائر به تمدن باستانی ترکستان و تأثیرات نفوذ ایران در این تمدن نشر شده بود که خیلی جالب نظر و مفید بود. بواسطه اینکه نویسنده محترم در ضمن بیان انتشار ادبیات فارسی در آن صفحات ذکری از صنایع مستظرفه ایران که همیشه در ترقی ترکستان نفوذ کاملی داشته است نکرده اند لازم دانستم که چند کلمه در این خصوص برای یادآوری حقایق تاریخی نوشته تقدیم دارم.

اگرچه پیش از شرح انتشار صنایع ایران در ترکستان مقتضی بود شمه‌ای از کلیه تاریخ صنایع ایران ذکر شود ولی چون حدود این مختصر گنجایش آنرا ندارد فقط بهمین قسمت که موضوع صحبت است اکتفا مینمایم. در موقعیکه قطعه ترکستان تابع خلافت بغداد گردید و عربها آنرا متصرف شدند بهمان ترتیبی که صنایع ساسانیان در غرب تاسواحل دریای سیاه و بحر ایض نفوذ داشت در شرق نیز تاسرحد چین و هندوستان از طرف صنعت گران ایرانی نشر و بسط داده میشد. بدین مناسبت در ترکستان حتی بعد از ورود عربها که زندگانی ایلیاتی داشتند کلیه صنایع در دست ایرانیها بود. همین صنعت گران نقاشی باستانی را با روح اسلام مطابقت داده یک سلسله از دبستانهای (۱) نقاشی بوجود آوردند که یک دوره بسی مشتمع در تاریخ صنایع تشکیل میدهد. تا قرن چهاردهم میلادی یعنی حمله اول مغولها دبستان بغداد و نقاشی های عهد خلفای

[۱] مقصود از دبستان سبک نقاشی مخصوص بود که اساتید ایجاد میکردند.

عباسی معروف بودند و بهمان اندازه که کلیه علوم در آن عهد طرف رغبت و توجه بود نقاشی هم ترقی داشت. آنهمه قصرها و عمارات باشکوه و دل فریب که پایتخت خلفا بدان مباحثات میکرد از طرف صنعت گران ایرانی بنا و تزیین شده بود. سبک نقاشی این عهد عاری از نفوذ چینی بود بلکه نفوذ صنعت بیزانس که در آن عهد با ممالک اسلامی از نزدیک مربوط بود تا اندازه ای در آن محسوس بود ولی همیشه لطف قریحه و مشعر مخصوص به نژاد ایرانی اساس آنرا تشکیل میداد.

در موقعیکه در نتیجه یک قضای میثوم دیک جوشنده مغولستان به فعالیت درآمد و صد هزاران مردمان گرسنه و ماجرا جو ولی با جرات و عزم بیرون ریخت و این سیل مخرب به طمع ثروت های بی پایان ممالک متمدنه بطرف مغرب سرازیر گردیدند نه رود معظم و لگا، نه دریای خزر و نه شواحق غیر قابل الوصول فلات ایران نتوانستند از این ایلغار بنیان کن جلو گیری کنند و این سیل خروشان تا بغداد فرود آمده (۱۲۵۰) در سر راه خود آنچه آثار عمران و صنعت بود محو و نابود ساخت (از جمله شهر ری بود که در آن عهد در آبادی و عظمت آثار صنعتی شهرت تامی داشت. ظروف و اوانی که اخیراً از زیر تل های خاک این شهر بیرون آمده است نشان میدهند که بچه اندازه نقاشان آن زمان صحت و سرعت قلم را با مهارت رنگ آمیزی توأم ساخته قدرت نمائی میکردند.)

صنایع در ایران از این حادثه لطمه شدیدی خورد ولی محو نگردید. همینکه فاتحین جدید که فقط سیاستاً مملکت را اداره میکردند موفق به استقرار حکومت خود گردیدند صنعتگران ایرانی بانفسی تازه به فعالیت درآمدند. حکمرانان مغول در اردوهای خود عده ای از صنعتگران چینی داشتند. چینی های آن عهد از حیث صنایع در اوج ترقی بودند. نقاشهای ایرانی همیکه با آنها به اسطکاک در آمدند سبک ایرانی را با سبک چینی مزج داده دبستان ماوراء النهر تشکیل شد اگرچه سبک

دبستان بغداد بواسطهٔ دخول عناصر جدیده تغییر کرد ولی ماهیت ملی ایرانی آن حفظ گردید .

در دربار تیمورلنک تعلیم و تربیت صنعتی و ادبی منحصرأ ایرانی بود و مشارالیه برای تزئین سمرقند بهترین صنعت گران ایرانی را جلب میکرد و بناهایی مانند گورامیر (مقبره تیمور) و مسجد حضرت و مقبره بی بی خانم (عیال تیمور) و مدرسهٔ شیردار و غیره که همه از طرف ایرانیها ساخته شده است از کزترین عنوان نام و شهرت صنعت ایرانی نیست .

گورامیر باشکوه ترین این یادگار هاست و از طرف محمد بن محمد اصفهانی ساخته شده است . در چند سال پیش مسلمانان روسیه مصمم شدند که در شهر بطرز بورخ بنای مسجد عالی بکنند . جمعیتی از بهترین معمارها و مستشرقین ترتیب داده برای مسجد نقشه و طرح گورامیر را انتخاب نمودند و پس از صرف مبلغی کزاف در بهترین نقطهٔ شهر اساس مسجد را گذاشتند . اکنون این بنا در کنار رود تورا به عظمت تمام جلوه گراست ولی تفاوت بین این بنا و اصل آن که گورامیر باشد بسی زیاد است . با همه اینکه در بنای مسجد وسائل بنائی نسبت به بانصد سال پیش خیلی کامل تر بود و مبرزین معمار های يك مملکت معظمی در بنای آن شرکت داشتند در مقابل اثر محمد بن محمد اصفهانی بسی حقیر و عاری از ارزش صنعتی است و این مسئله يك بار دیگر نشان میدهد که دبستان ایرانی ماوراء النهر بجه حد و پایه از حیث صنعت مقام بلندی دارد و غیر قابل تقلید است .

در ایام سلطنت شاه رخ پسر امیر نیمور ( قرن نازدهم میلادی ) خط نویسی و نقاشی بدون توقف به تکامل خود مداومت نموده و مرکز آن شهر جدید البناء هرات گردید . کتابهای موصول فراوان که از این عهد باقی است بهترین شاهد است همینقدر میتوان گفت که در هیچ عهدی خوش نویسان و نقاشها باین اندازه طرف تشویق و احترام نبودند . در سال ۱۶۱۹ م

(۵۸۲۲) شاه رخ نقاش معروف غیاث الدین خلیل را به سفارت نزد خاقان چین «دای منیع» که از خاندان منیغ (۲) است میفرستد. متعاقباً به اقدام و مباشرت بالینفور میرزا که خودش نیز خط نویس و نقاش بود یک میدان وسیعی برای صنعت گران هنرور باز گردید و در کتاب خانه هرات بالینفور چهل نفر نقاش و خوش نویس ایرانی مستخدم بودند. اغلب آنها از مغرب ایران بغداد همدان و تبریز آمده یک نوع سنگر مدافعه در مقابل نفوذ روز افزون صنعت چینی تشکیل میدادند. این بزرگترین عهد بود و در این عهد بود که ایران یک صنعت گر بزرگی را بوجود آورد که نقاشی شرق آسیا و غرب آنرا با هم امتزاج داده «یا تکنیک» نقاشی چینی نقاشی خالص متی ایرانی را بدرجه تکمیل رساند بطوریکه تا آن زمان کسی آن مقام را احراز نکرده شاید بعد از آن هم پایه صنعت بالاتر نرفت. این صنعت گر استاد بزرگ بهزاد بود. در همان موقعی که در اروپا لئونارد داوینچی ها رافائلها آلبر دوررها، برای افتتاح دوره تجدد در صنایع مستظرفه معجز نمائی میکردند در ایران بهزاد سکه تجدد را بنام خود زد. خوشبختانه بهزاد با یک وزیر ساعی و صنعت پرست معروف میرعلی شیر نوائی هم عهد بود که همه گونه از او حمایت می نمود و با او کمک میکرد که قلم محیط و مثبت خود را در میدان ایجاد و اختراع به حرکت و جولان در آورد. خوش نویس معروف سلطان علی مشهدی نیز از همکاران بهزاد بود. در اطراف ابن خورشید درخشان یک سلسله از استادان نامور بودند که دبستان هرات را تشکیل میدادند. از آن جمله هستند خواجه غیاث الدین خراسانی، سلطان ابراهیم میرزا، امیر شاهی، میرک خراسانی، بالچهد و غیره که وسعت این مقاله مساعدت به ذکر اسامی تمام آنها ندارد.

در تحت نفوذ این دبستان در هندوستان دبستان هند - ایرانی

که تخم آن بدستیاری غزنویان کاشته شده بود به درجه تکمیل رسید و شاهکارهای مانند تاج محل، مسجد فوئیپورسکری <sup>هینورا</sup> بوجود آمد و بالاخره در قرن شانزدهم مقامی را که ایتالیا برای نجد در اروپا اتخاذ کرد ایران برای تجدید صنایع عثمانی و هندوستان احراز کرد. حوادثی که پس از قرن هجدهم در کلیه ایران رخ نمود و يك انقراض عمومی را بادی گردید در ترکستان نیز اثر خود را بخشیده و امروز متاسفانه در آن سرزمین حتی خاطرهای هم از عظمت گذشته باقی نمانده است.

مهدی دیبا

### مسابقه ادبی

اشعار ذیل را که آقای شاهزاده محمدحاشم میرزای افسر بمناسبت مقاله راجع بوحدت ملی، مندرج در شماره اول این مجله سروده اند بداره فرستاده و بمسابقه میگذارند بهرکس که قطعه بهتری در همین معنی بسازد بشرط اینکه از پنج شعر هم تجاوز نکند يك دوره سال اول «مجله آینده» باینک جلد کتاب «المعجم فی معایر اشعار المعجم» تألیف قیس رازی (چاپ فرنک) از طرف ایشان داده خواهد شد. مسابقه کنندگان باید اقلاً تا ماه بعد از انتشار این شماره اشعار خود را بداره مجله بفرستند این نکته را هم یاد آور شویم که چون اوراق ما گنجایش درج اشعار زیاد ندارد فقط یکی دو قطعه که از همه بهتر باشد بعد از انقضای مدت طبع خواهد شد مگر اینکه بواسطه خوبی فوق العاده شعر قبلاً بدرج آن اقدام کنیم (آینده)

### وحدت امال ملی

ترک و تازی، دیلم و کرد و بلوچ و لر بایران  
ملکت آشفته کرد از اختلافات محلی  
این همه فرزندان را پرورده يك مادر بدامان  
گر بیابی فرق جزئی رفع کن باصلح کلی  
يك زبان و یکدل و یکرنک گردد سهل و آسان  
نور دانش کرکند بر مردم ایران تجلی  
باز ماند افسوس ایران از همه امثال و اقربان  
با همه فکر درخشان با همه هوش جلیلی  
درد ایران را همی دانی که آخر چیست درمان؟  
وحدت امال ملی، وحدت امال ملی